

دیپلماسی در دشوارترین شرایط



کوروش احمدی

دیپلمات‌پیشین

در دو هفته گذشته وزیر خارجه ایران درگیر اقدامات دیپلماتیک مهم و گسترده‌ای درباره تحولات منطقه، شرایط اسفبار در غزه و لبنان و وضعیت جنگی بین ایران و اسرائیل بوده است. سفر به شماری از کشورهای عربی و غیرعربی اهدافی مانند جلب حمایت، دعوت به وحدت، زنجار دادن درباره هرگونه حمایت از اسرائیل در تجاوز به ایران و هشدار درباره واکنش قوی‌تر ایران در صورت تجاوز اسرائیل را دنبال کرده است. با توجه به حمایت آمریکا از حمله احتمالی اسرائیل، مسائلی مانند وجود پایگاه‌ها و سربازان آمریکایی در تقریبا همه کشورهای محافظه‌کار عرب، ن‌وع رابطه ایران با این کشورها و قرارگرفتن این کشورها بین ایران و آمریکا از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. در شرایطی که بهای نفت در این دو هفته حدود ۱۰ درصد افزایش یافته، جلوگیری از حمله به تأسیسات نفتی منطقه موضوع مهمی است که باید در دستور کار دیپلماتیک باشد. تصور اینکه برخی در ایران معتقدند در صورت حمله به تأسیسات نفتی ایران، حمله متقابل نیز باید علیه تأسیسات نفتی در منطقه صورت گیرد یا تردد در تنگه هرمز مختل شود و تهدید برخی محافل عربی به اقدام نظامی متقابل بر حساسیت امر افزوده است. هشدار صریح ایران به کشورهاییکه حمله اسرائیل به ایران را تسهیل کنند نیز نشان می‌دهد که در چه شرایطی به سر می‌بریم. دو نکته مهم دیگر، یکی اظهارات وزیر دفاع آمریکا مبنی بر «تعهد به شراکت دفاعی با سعودی درباره امنیت منطقه‌ای و تعهد بلندمدت به حمایت از سامانه‌های دفاعی سعودی و تقویت بازدارندگی در برابر تهدیدهای مشترک» و دیگری اظهارات تأسف‌آور عربستان و برخی دیگر مبنی بر بی‌طرفی بین ایران و اسرائیل است.

شرایط سیاسی در لبنان نیز در چند هفته گذشته به موازات تحولات عظیم میدانی دستخوش تحول شده است. صداهایی برای اجرای قطع‌نامه ۱۷۰۱ شامل خلع سلاح و فاصله‌گرفتن حزب‌الله از مرز اسرائیل بلندتر شنیده می‌شود و نخست‌وزیر لبنان از تاملیش به استقرار ارتش لبنان در جنوب و در مرز، انتخاب رئیس‌جمهور … سخن می‌گوید. شماری از دیگر سیاست‌مداران لبنانی نیز از احتیاطی که قبلا داشتند، فاصله گرفته و وارد حوزه‌های جدیدی شده‌اند. از حزب‌الله نیز سخنانی شنیده شده که به قطع ارتباط بین آتش بس در لبنان و غزه تفسیر شده است. مواضع جدید آمریکا در حمایت از «رود محدود اسرائیل به لبنان» و «اجرای کامل» قطع‌نامه ۱۷۰۱ و مذاکره با کشورهای محافظه‌کار عرب درباره آینده لبنان فاصله زیادی با طرح آمریکا در ۲۶ سپتامبر که شامل آتش بس ۲۱روزه و فاصله‌گرفتن ۱۰کیلومتری حزب‌الله از مرز اسرائیل بود، دارد. در شرایطی که اکثر عرب‌ها سال‌ها موضعی داشته‌اند که با مواضع حزب‌الله و ایران فاصله داشته است، اکنون نحوه برخورد آنها و نقش خزانه آنها در این شرایط می‌تواند مهم باشد. عرب‌ها، غربی‌ها، ارتش و برخی جناح‌ها در لبنان ممکن است تصور کنند زمان مناسب برای تدویر لطمات میدانی به حزب‌الله به تضعیف موقعیت سیاسی این گروه در لبنان فرا رسیده است. همه این تحولات طبعاً باری سنگین را برعهده ایران به‌عنوان تنها متحد محور مقاومت می‌گذارد. آقای عراقچی هدفش از سفرها را رایزنی درباره تحولات منطقه و تلاش برای توقف حملات اسرائیل در لبنان و غزه عنوان کرده است. روشن است که توقف جنایات اسرائیل در شرایطی که شمار زیادی از کشورهای طی یک سال موفق به انجام آن نشده‌ند، کار آسانی نیست.

ایران در شرایطی به دیپلماسی روی آورده است که طرف‌های مقابل همیشه دیپلماسی را در معنی ائتلاف‌سازی، اعتمادسازی، گفت‌وگوسی مستمر و کار روی راه‌حل‌های دیپلماتیک در دستور کار داشته‌اند. نتیجه کار مستمر این کشورها در حوزه دیپلماسی این است که هریک از آنها جزئی از یک ائتلاف هستند و مواضع دیپلماتیک آنها با سابقه چندساله یا چنددهه‌ساله موجب شکل‌گیری علقه‌ها و درجاتی از اعتماد متقابل شده است. ایران با چنین موقعیتی فاصله زیادی دارد که دلیل اصلی آن اصالت قابل‌نبودن اسرائیل

دیپلماسی و نداشتن پیوست دیپلماتیک برای طرح‌های بزرگ در چند دهه اخیر است.

سه‌شنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۳
۱۱ ربیع‌الثانی ۱۴۴۶
۱۵ اکتبر ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۹۴۹
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:
در گفت‌وگو با سیدوحید کریمی بررسی شد:نقش بایدن در کنترل تتانیاو هو برای حمله احتمالی به ایران • گزارش «شرق» به مناسبت روز جهانی ناینیان؛ من و عصای سفیدم

کشوقوس‌های دیپلماسی

ابوالقاسم دلفی بررسی کرد: آیا سیاست خارجی دولت دچار تغییر شده است؟

وزیر امور خارجه کشورمان که در جریان سفر منطقه‌ای در عمان به سر می‌برد، گفت: «روند مذاکرات غیرمستقیم بین ایران و آمریکا به دلیل شرایط خاص منطقه متوقف شده است». سخنی که نشان می‌دهد همه ظرفیت دیپلماسی دولت چهاردهم برای مدیریت شرایط جنگی منطقه صرف شده و اولویت حل بحران جنگ‌افروزی رژیم صهیونیستی با کمک کشورهای عربی-اسلامی در جریان است. در شرایط حساسی که منطقه در آن قرار دارد، عراقچی در مسیر یافتن راه‌کاری برای کاهش تنش‌ها در منطقه، حل بحران غزه و لبنان و البته تأکید بر مواضع ایران در صورت هر نوع تعرض خارجی در سفری منطقه‌ای در حال رایزنی با سران کشورهای اسلامی است. او که در اوج حملات

۳ اقتصاددانی که امسال جایزه بنیاد آلفرد نوبل را از آن خود کردند، چه کسانی هستند؟

نوبل اقتصاد برای اندیشه نهادی

صفحه ۴

شرق

خواننده‌ای که یکپرش را بخشد

امین‌الله رشیدی درگذشت

۱۲

برگزیده‌ها

ایران – قطر در دومی به مصاف هم می‌روند

بزرگان بزرگی کنند

۹

گزارشی از روستای حاجی آباد مهاباد که کودکانش یک پل تا آرزو فاصله دارند

اگر پل داشتیم…

۱۰

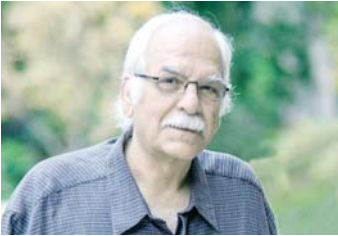
حملات متقابل در نوار غزه و لبنان شدت گرفت

بیمارستان الاقصی زیر آتش اسرائیل

۵

جایزه امین‌الضرب در دستان خبرنگار «شرق»

۴



عصر گرک‌ها: گفت‌وگوی احمد غلامی با اکبر معصوم‌بیگی

پشت دروازه‌های شکست

۶

یادداشت

برای «اول» شدن



حسین حقگو

کارشناس اقتصادی

«ما باید به کشور اول منطقه تبدیل شویم. به‌عنوان یک ایرانی وقتی می‌بینم خارجی‌ها در چه نقطه‌ای هستند، برای من آفت است. می‌گویم چرا باید آنها آنجا باشند، ما اینجا باشیم؟»

(مسعود پزشکیان – آغاز سال تحصیلی در دانشگاه تهران)

حسرت و سؤال آقای پزشکیان، حرف دل مردم این سرزمین است و چه‌سا بیشتر؛ چراکه گروهی بزرگ از این مردم، گوی سبقت را از ایشان روده و در غم مقب‌ماندگی از پیشرفت و توسعه و غرق در ناسیونالیسمی رمانتیک یا به تعبیری «بی‌جاساز» خود را کشوری «اروپایی» تصور می‌کنند که از بد روزگار و تصادف جغرافیایی سر از خاورمیانه درآورده‌اند (پیدایش ناسیونالیسم ایرانی – ضیا ابراهیمی). آقای پزشکیان در مقام رئیس‌جمهور اینک اما باید به‌جز سخنان کلی، راهکارهای ملموس و مشخصی برای گذار از این حسرت‌ها و سؤال‌های تاریخی عرضه کند. اینکه مثلا گره‌زدن یکسره تعاملات اقتصاد سیاسی خارجی کشور به‌اصطلاح به «محور شرق» کدام امکان و دریچه را رو به سوی توسعه و پیشرفت این سرزمین و «اول»‌شدنش در منطقه می‌کشاید و به همان جوانان نخبه حاضر در نرسست دانشگاه تهران و هزاران هزار فارغ‌التحصیل مستعد و شهروندان بااستعداد دیگر، کار و آینده‌ای بهتر را نوید می‌دهد؟! فارغ از مسائل و موضوعات داخلی، در عرصه خارجی (با درک بدافقایی ایشان در آوارشدن انواع حوادث و رویدادهای تلخ و ناگوار منطقه‌ای در همان ابتدای به‌دست‌گیری قدرت)، نگاه و راهکار ایشان برای دستیابی به توسعه اقتصادی کشور در ارتباط با سیاست خارجی چیست؟ کشوری که کل صادرات نفتی و غیرنفتی آن به ۹۰ میلیارد دلار هم نمی‌رسد و کشورهای اطرافش چند برابر آن صادرات داشته‌اند (امارات) ۴۵۰، ۱۰ صفحه عربستان ۲۰۰، ترکیه ۲۵۰ و قطر ۱۰۰ میلیارد دلار).



این گفت‌وگو را در صفحه ۲ بخوانید.عکس:سهیل‌نابی، شرق

سعید حجاریان در گفت‌وگو با «شرق»

وفاق با کدام خوانش؟

دولت پزشکیان موزائیک جریان‌ها و نحله‌هاست

که به «وفاق» ترجمه‌اش می‌کنند

یادداشت

چرا باید علیه دشمن متحد شویم؟

نگاهی به نظریات گرامشی و برژینسکی در ضرورت اتحاد

سامان صفرزایی

نیازمند آن باشند که به‌طور موقت با حکومت‌هم‌راستا شوند تا از سرزمین خود در برابر دشمنان خارجی پاسداری کنند. او در مواقع بحران، بر این نکته تأکید می‌کند که ضرورت بقا می‌تواند به تنظیم دوباره خطوط سیاسی منجر شود. او می‌گوید: «در عصر بی‌ثباتی، نیاز به انسجام و وحدت یک ضرورت اساسی می‌شود». این انسجام معمولاً ایجاد می‌کند که گروه‌های مخالف در نظام‌های غیرلیبرالی مواضع خود را بازنگری کرده و حداقل به‌طور موقت از تلاش‌های دولت برای مقابله با تهدیدات خارجی حمایت کنند. این رویکرد، دیدگاه‌های سنتی درباره سیاست‌های مخالف را به چالش می‌کشد و پیشنهاد می‌دهد که بقا می‌تواند بر تقسیمات ایدئولوژیک فائق آید.

مخالفان و بقای ملی

استدلال‌های برژینسکی در بافت‌های تاریخی که در آنها گروه‌های مخالف ناچار بوده‌اند مواضع خود را در برابر تهدیدات خارجی تنظیم کنند، پڑواکی عمیق می‌یابند. به‌عنوان مثال، در طول جنگ جهانی دوم، بسیاری از جنبش‌های مقاومت در سراسر اروپا خود را با دولت‌های مربوطه هم‌راستا کرده یا با قدرت‌های بزرگ‌تر علیه نیروهای محور همکاری کردند. حتی اگر ناراضی‌های عمیق‌تری درباره حکومت‌های خود داشتند. این پیشینه تاریخی بر ادعای برژینسکی تأکید می‌کند که تهدیدات وجودی می‌توانند موجب همسویی اهداف شوند و گینه‌های سیاسی پیشین را فراموش کنند. در اثر بعدی‌اش، چشم‌انداز استراتژیک: آمریکا و بحران قدرت جهانی (۲۰۱۲)، برژینسکی به ضرورت واکنش ملی منسجم در برابر چالش‌های جهانی می‌پردازد. او می‌گوید: «هویت ملی برای بقا حیاتی است». در کشورهای غیرلیبرال این هویت می‌تواند گروه‌های مختلف را به‌طور موقت به هم نزدیک کند تا از دولت در برابر دشمنان مشترک حمایت کنند. این اندیشه به‌ویژه در ژئوپلیتیک معاصر اهمیت دارد؛ جایی که نظام‌های غیردموکراتیک در مواجهه با فشارهای خارجی، ممکن است شاهد اتحاد مخالفان داخلی برای دفاع ملی باشند.

مطالعه موردی در زمینه معاصر

دیدگاه واقع‌گرایانه برژینسکی تأثیر چشمگیری بر رژیم‌های غیردموکراتیک معاصر که با تهدیدات خارجی مواجه هستند، دارد. به‌عنوان مثال، درباره روسیه، جنبش‌های مخالف تحت سرکوب‌های شدید دولت ولادیمیر پوتین قرار دارند. اما در طول حمله به اوکراین در سال ۲۰۲۲، برخی از چهره‌های مخالف، درک ظرفیتی از منافع ملی را ابراز کردند و بر ضرورت وحدت روسیه در برابر تجاوز خارجی تأکید کردند، با وجود انتقادات‌شان از سیاست‌های کلان دولت. این واکنش‌ها، اظهارات برژینسکی را مبنی بر اینکه واقع‌گرایی ممکن است به هم‌راستایی‌های موقت با دولت منجر شود تا از بحران‌های بزرگ‌تر جلوگیری کند، تأیید می‌کند. به‌طور مشابه، در خاورمیانه، گروه‌های مخالف نظام‌های سیاسی غیردموکراتیک غالباً ناچار به ارزیابی مجدد مواضع خود در برابر مداخلات یا تهدیدات خارجی بوده‌اند. اعتراضات بهار عربی ابتدا شاهد تجمع گروه‌های مخالف علیه دولت‌ها بود، اما هرج‌ومرج پس از آن منجر به تنظیمات پیچیده‌ای شد که در آن برخی گروه‌ها یا بازیگران دولتی تصور کردند می‌توانند از طریق ایجاد مفهوم‌سازی‌های مبهمی همچون «حاکمیت نامشروع» (به مثابه وضعیتی که هر حرام ضد ملی‌گرایانه‌ای حلال می‌شود) یا پیش‌کشیدن مفاهیم صوری و هم‌زمان تعیین‌کننده‌های همچون «وضعیت

^[1] ۱۰ صفحه

^[2] ۱۰

^[1] ۱۰ صفحه

^[2] ۱۰